



# ریشه‌ی التهابات ارزی وراه‌های برون رفت از آن

محسن مومنی

## تاریخچه‌ی نظام پولی بین‌الملل

تا پیش از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ داد و ستدهای بین‌المللی بر پایه‌ی طلا بود. در این سال‌ها قدرت خرید کشورها و نرخ ارزهای آن‌ها بر اساس میزان طلای در اختیارشان تعیین می‌شد. در سال‌های بین جنگ جهانی اول و دوم به دلیل وجود تنش‌های سیاسی میان کشورها، نظام پولی خاصی بر نظام مالی جهان حاکم نبود. با روی کار آمدن نازیسم و فاشیسم در اروپا، سرمایه‌داران احساس خطر کردند و با شروع جنگ و پیشرفت هیتلر، سرمایه‌ها و طلاهای اروپا به سوی آمریکا سرازیر شد و این کشور به دور از آتش جنگ، آن ثروت‌ها را برای شکوفایی و توسعه‌ی صنایع خود به کار انداخت. انگلیس و آمریکا به عنوان دو عضو مهم متفقین در اوایل جنگ

مقدمه

بازار سکه و ارز در چند هفته‌ی اخیر دچار التهابات فراوانی شده است به طوری که شاهد بودیم ظرف مدت چند روز نرخ دلار از حدود هفت هزار تومان به بیش از ده هزار تومان رسید و هم‌چنین قیمت هر قطعه سکه تمام بهار آزادی از یک و نیم میلیون تا مرز چهار میلیون تومان رسید. به راستی علت این شوک اقتصادی چیست؟ چه مقدار از این نوسانات طبیعی و چه مقدار از آن غیرطبیعی است؟ مهم‌ترین عوامل این التهابات کدامند؟ برای پاسخ به این سوالات بهتر است با مروری بر ماهیت دلار به عنوان ارز معیار در تبادلات جهانی، بدانیم چه مقدار از این نوسانات مربوط به ذات دلار است و چه مقدار آن ناشی از سایر عوامل است.

و مدیریت آن توسط آمریکا عوامل دیگری نیز دارد که دانستن آن‌ها بسیار مهم است:

### ۱- ضعف تولید ملی

ضعف تولید داخلی رابطه‌ی تنگاتنگی با افزایش نرخ ارز دارد. قدرت پول ملی زمانی ضعیف می‌شود که تورم بالا رود؛ در نتیجه قدرت خرید مردم و ارزش پول ملی نیز کاهش می‌یابد. یکی از عوامل تورم در کشورها، خلق نقدینگی بدون تقویت تولید داخلی است. وقتی نقدینگی خلق شده به سمت تولید نرود در نتیجه تولید داخلی تقویت نشده و نقدینگی خلق شده به صورت تورم خود را نشان می‌دهد. مجموع این مسائل تقاضا را نسبت به کالای وارداتی بیشتر می‌کند و این؛ یعنی افزایش تقاضا نسبت به ارز خارجی. هر چقدر تقاضا نسبت به ارز خارجی بیشتر باشد، ارزش پول ملی کم‌تر می‌شود.

### ۲- تفاوت نرخ تورم در ایران و سایر کشورها

یکی از عوامل مهمی که باعث ایجاد نوسانات در نرخ ارز می‌شود، اختلاف نرخ تورم دو کشور است؛ به این معنا که اگر نرخ تورم ایران بیشتر از آمریکا باشد؛ یعنی که هر ساله کالاهای ایرانی برای مردم آمریکا ارزان‌تر شده و در مقابل پول ملی ما در برابر دلار تضعیف شده است؛ بنابراین اگر نرخ تورم ایران بیشتر از آمریکا باشد، نرخ ارز نیز باید افزایش یابد؛ اما متأسفانه از سال ۹۲ تاکنون نرخ ارز متناسب با تورم افزایش پیدا نکرده و دولت با تزریق ارز به بازار سعی در پایین نگه داشتن قیمت ارز داشت؛ اما غافل از این که این کار موجب فشرده‌تر شدن این فنر می‌شد، وای به روزی که این فنر از جای خود در رود!

### ۳- سرکوب نرخ ارز در راستای تامین مطامع سیاسی

از آن جایی که دولت به منظور حفظ تورم تک رقمی و کسب رضایت مردم برای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری تلاش کرد تا با تزریق ارز نفتی به بازار از افزایش نرخ ارز جلوگیری کند، در نهایت بعد از انتخابات که دیگر امکان تزریق بیش از حد ارز به بازار وجود نداشت، این غول خفته بیدار شده و با جهش ناگهانی به چندین برابر قیمت رسیده است.

### ۴- عدم شفافیت در سیاست‌های متولی بازار پول

عدم شفافیت در سیاست‌های پولی کشور عامل موجب بی‌اطلاعی سرمایه‌گذاران خرد می‌شود و زمانی که سرمایه‌گذاران خرد از روند سیاست‌گذاری مطلع نباشند و در کنار این مسئله محرک‌های دیگر نیز فعال باشد، افزایش تقاضای ارز را از سوی آن‌ها شاهد خواهیم بود که این خود از عوامل مهم نوسانات ارزی به شمار می‌رود.

### ۵- حفظ ارزش‌های دارایی‌ها از سوی مردم

جهانی دوم (سال ۱۹۴۱) در مذاکراتی سری در سواحل اقیانوس اطلس، در کشتی نیروی دریایی آمریکا پیمان مهمی را به نام «منشور آتلانتیک» منتشر کردند. در این پیمان آن‌ها برای جهان بعد از جنگ بر اساس اهداف استعماری خود نقشه‌ای را ترسیم کردند که مهم‌ترین بندهای آن گسترش تجارت جهانی و برداشتن موانع تحقق آن بود. آمریکا و انگلیس با وجود اختلافات سیاسی بسیار زیاد و رقابت در استعمار، در تبلیغ این وجه آرمان شهر خود هم‌صدا بودند. آن‌ها جهانی‌سازی را که تعیین کننده‌ترین جنبه‌اش آزادسازی مالی است و آن را مهم‌ترین راه رسیدن به صلح و توسعه می‌دانستند، دنبال می‌کردند.

پس از جنگ جهانی دوم در سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۷۱ توافق میان کشورهای سلطه‌گر دنیا که همان متفقین بودند منعقد و به نام «نظام پولی برتون وودز» بر تعاملات مالی جهان مستولی شد. در این دوره مقرر شد دلار ایالت متحده آمریکا شاخص پول جهانی باشد و او هم متعهد شد که در قبال مبلغ مشخصی دلار یک اونس طلا را به عنوان پشتوانه‌ی پول خود ذخیره کند. در این دوره ارزهای دیگر با نرخ ثابتی نسبت به دلار معامله می‌شدند. آمریکا برای این که بتواند امپراتوری دلار را در جهان بگستراند به چیزی فراتر از توافق‌نامه‌ی بین متفقین نیاز داشت؛ بنابراین در سال ۱۹۴۵ درست یک سال پس از پذیرش دلار به عنوان ارز رایج بین‌المللی با مذاکره با ابن سعود، پادشاه عربستان و روزولت، رئیس‌جمهور آمریکا، پادشاه عربستان متعهد شد قیمت نفت که مهم‌ترین کالای قرن بیستم در نظر استعمارگران بود، با دلار آمریکا تعیین و خرید و فروش شود. بدین‌گونه آمریکا توانست دلار را بر نظام پولی جهان مسلط کند و آن را ارز مرجع بین‌المللی قرار دهد؛ اما پس از گذشت سی سال از کنفرانس برتون وودز با چاپ دلارهای بدون پشتوانه و کاهش ذخایر طلای بانک مرکزی آمریکا، حفظ قیمت یک اونس طلا در برابر دلار برای آمریکا امکان پذیر نبود در نتیجه سال ۱۹۷۳ در گردهمایی کشورهای بزرگ به طور رسمی تضمین جهانی خود را زیر پا گذاشت و به تعبیر اقتصاددانان، بزرگترین کلاهبرداری تاریخ بشریت اتفاق افتاد! (۱)

### ریشه‌های بحران ارزی

پس از آن که آمریکا توانست با زور و سلطه، دلار خود را بر دنیا حاکم کند، طبیعی است که مدیریت دلار را در کشورها در دست داشته باشد و بتواند به‌وسیله‌ی دلار با اقتصاد کشورها بازی کند؛ اما نوسانات قیمت ارز علاوه بر سلطه‌ی دلار بر کشورها



آمریکا برای این که بتواند

امپراتوری دلار را در جهان

بگستراند به چیزی فراتر از

توافق‌نامه‌ی بین متفقین

نیاز داشت؛ بنابراین در

سال ۱۹۴۵ درست یک

سال پس از پذیرش دلار به

عنوان ارز رایج بین‌المللی

با مذاکره با ابن سعود،

پادشاه عربستان و روزولت،

رئیس‌جمهور آمریکا،

پادشاه عربستان متعهد شد

قیمت نفت که مهم‌ترین

کالای قرن بیستم در نظر

استعمارگران بود، با دلار

آمریکا تعیین و خرید و

فروش شود. بدین‌گونه

آمریکا توانست دلار را بر

نظام پولی جهان مسلط

کند و آن را ارز مرجع

بین‌المللی قرار دهد.



برای این که ارزش پس اندازهای خرد مردم کاهش پیدا نکند، آن‌ها پس اندازهای خود را به سکه و دلار تبدیل می‌کنند و همین فشار تقاضا به بازار موجب تغییرات در نرخ ارز می‌شود. البته در جامعه، فضای جنگ روانی و تشویق و تحریک مردم به این کار نیز از عوامل مهم این کار است.

#### ۶- نقش دشمنان منطقه‌ای به ویژه آل سعود و امارات



دشمنان منطقه‌ای ما با تلاش در جهت ارائه‌ی پیشنهادات مالی به شرکای ایران، در جهت اختلال در بازار ایران گام بر می‌دارند؛ به طور مثال وقتی رئیس جمهور فرانسه خبر سفر خود را به عربستان می‌دهد، بن سلمان سفر او را مشروط به قطع روابط تجاری با ایران می‌کند. یا از طرفی دیگر اختلال در بازار سکه و دلار توسط عربستان و امارات به واسطه‌ی دلال‌های خود با خرید ذخایر دلار و سکه بازار و صرافی‌های ایران، نقش مهمی در التهابات اقتصادی اخیر داشت.

#### ۷- تامین کسری بودجه

یکی از راه‌هایی که دولت از آن راه کسری بودجه‌ی خود را تامین می‌کند، افزایش قیمت ارز در بازارهای داخلی است.

#### ۸- خروج سرمایه از کشور

هنگامی که احساس ناامنی زیاد شود، عده‌ای به فکر خروج سرمایه‌های خود از داخل کشور به خارج هستند. در زمان جنگ تحمیلی هم همین اتفاق افتاد. برخی تمام دارایی خود را فروختند و تبدیل به دلار کردند و آن را از کشور خارج کردند. برای جلوگیری از این فرار سرمایه، داشتن یک ثبات روانی و احساس امنیت اقتصادی لازم است تا سرمایه در داخل کشور بماند.

#### ۹- افزایش نقدینگی

افزایش نقدینگی سرگردان موجب افزایش نرخ ارز می‌شود. نقدینگی‌های سرگردان همواره به دنبال سود کوتاه مدت و سفته‌بازی هستند؛ لذا در جایی سرمایه‌گذاری می‌کند که بتواند در کوتاه مدت صاحب سود شود به همین جهت به بازار سکه و ارز روی می‌آورند.

#### ۱۰- مشکلات نظام بانکی در انتقال درآمدهای نفتی به ایران

از آن جایی که عمده‌ی ارز کشور از طریق دبی تامین می‌شود، به دلیل مشکلات نظام بانکی ما با سایر بانک‌های دنیا و از طرفی دیگر با اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده در دبی که شامل ارز نیز می‌شود، تامین ارز برای صرافی‌های ایران هزینه‌بر است.

البته شاید بتوان دلایل دیگری را نیز برشمرد که همگی این عوامل در کنار هم موجب تلاطم در بازار ارز شده است. آن چه بیان شد مهم‌ترین این عوامل است که باید برای مقابله با هر یک راه حل و برنامه‌ی جامعی داشت.

این نکته نیز باید ذکر شود که گرانی ارز بر اقتصاد کشور تبعات سنگینی را خواهد داشت که اگر از آن جلوگیری نشود منجر به چالش‌های جدی برای کشور خواهد شد، از جمله مهم‌ترین این تبعات عبارتند از: افزایش تورم، کاهش قدرت خرید مردم، ایجاد تلاطم در سایر بازارها، به هم ریختن بودجه‌ی کشور و کاهش تولید ملی. (۱)

#### ارزیابی عملکرد دولت

آن چه ناگفته پیداست این که مدیریت بازار سکه و ارز کشور به دست بانک مرکزی است؛ اما این که بانک مرکزی در این سال‌ها خصوصاً یک سال اخیر چه برنامه‌هایی برای مدیریت بازار ارز و طلا داشته است، نکته‌ی مهمی است که باید با مرور برنامه‌های دولت و هم‌چنین مجلس شورای اسلامی به آن پی‌برد. از این روی مروری خواهیم داشت بر مهم‌ترین فعالیت‌های دولت در این زمینه تا ببینیم اقدامات دولت تا چه حد مثمر بوده و چه میزان آن به سوء مدیریت بر می‌گردد.

بعد از تعطیلات عید نوروز، کشور به سمت سیر صعودی قیمت دلار پیش رفت به طوری که شاهد بودیم در کمتر از ۲۴ ساعت نرخ دلار تا ۶ هزار تومان هم رسید. دولت که بودجه‌ی سال ۹۷ را روی دلار ۳۷۰۰ تومانی بسته بود، در نهایت این قیمت را تغییر داد و آن را تک نرخی کرد و به ۴۲۰۰ تومان رساند که مابه‌التفاوت آن رقم سنگینی حدود ۱۷ هزار میلیارد تومان می‌باشد! این اولین تدبیر دولت پس از اولین شوک ارزی بود. طبق گفته‌ی جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور، دولت حاضر بود برای هر کس به هر میزان که ارز نیاز دارد، آن را تامین کند. ارز تک‌نرخی از سوی دولت اعلام شد؛ اما همچنان سازوکار پرداخت آن مشخص نبود تا این که از «سامانه‌ی نیما» رونمایی شد. سامانه‌ای که قرار بود افراد ارز درخواستی خود برای واردات و یا ارز به دست آمده از صادرات خود را در آن ثبت کند. به گفته‌ی سیف، رئیس کل بانک مرکزی، ویژگی اصلی سامانه‌ی نیما اشرف آن بر منابع و مصارف ارزی کشور بود؛ اما سامانه‌ی نیما نیز با مشکلاتی روبرو شد و بزرگترین تهدیدکنندگان ارز؛ یعنی پتروشیمی‌ها بنا به دلایلی از این مصوبه سرباز زدند. در این بین

از شرایط موجب این امر شده است که در این جا به برخی از آن عوامل اشاره می‌کنم: دولت نزدیک به چهارماه پیش یک تصمیم گرفت و گفت که می‌خواهم ارز را به قیمت واحد خرید و فروش کنم. در آن ایام می‌گفتند هر کس نیاز به ارز دارد، به هر میزان و برای



**این که چرا ارز نیامی**

**و بازار ثانویه نتوانست**

**تومر افزایش نرخ ارز را**

**بکشد و هم چنین راه حل**

**تثبیت نرخ ارز چیست؟**

**سوالات مهمی است که**

**باید به آن پاسخ داده**

**شود. آیا با تقویت بازار**

**ثانویه‌ی ارز، تقویت**

**بورس و جذب نقدینگی**

**در بازارهای موازی**

**می‌توان جلوی نوسانات**

**نرخ ارز را گرفت؟**

هر نوع مصرف حتی کالای لوکس بیاید از ما بگیرد. پیامی که سیاست‌گذار از این سخن به جامعه می‌دهد این است که بایستید در صف خرید؛ چون این قیمت، قیمت جذابی است. پیام دوم آن این است که کسی ارز نفروشد! این تصمیم، تصمیمی غلط بود؛ چون تقاضا به شدت افزایش پیدا کرد؛ اما عرضه‌ی آن کاهش پیدا کرد. نتیجه این شد ما یک بازاری پیدا کردیم که قیمت ارز هر روز بیشتر شد. نتیجه‌ی این تصمیم غلط دولت و غیبت بانک مرکزی، وضعیت امروز بازار شده است!

دکتر پورابراهیمی در تشریح راهکارهای عملیاتی جهت تدبیر وضعیت کنونی بازار می‌گوید: «ما باید بازار ثانویه را مبنا قرار دهیم؛ یعنی در شرایطی که کشور با التهاب ارزی مواجه می‌شود یک تخصیص ارز ترجیحی برای کالاهای ضروری در نظر گرفته شود. رقم این اگر حداکثر به سی میلیارد دلار برسد مابقی آن را باید از بازار ثانویه تامین کرد. ارز بازار ثانویه هم از صادرات غیرنفتی تامین می‌شود. مجموع صادرات غیرنفتی هم چهل و پنج میلیارد دلار است. دولت بعد از آن که بازار ثانویه را نپذیرفت و مرتکب یک خطای راهبردی در اقتصاد شد؛ مجبور شد بازار ثانویه را با تاخیر سه ماهه راه بیندازد. آن هم نه آن گونه که ما می‌خواستیم. رئیس جمهور محترم گفتند بیست درصد صادرات غیرنفتی متعلق به

دلالی‌ها نیز در بازار به اوج خود رسید که عده‌ای از دلالان نیز دستگیر و تحویل مراجع قضایی شدند. مجلس نیز برای رفع مشکل ارز پیشنهاد راه‌اندازی بازار ثانویه ارز را داد تا عملاً با توجه به ارز نیامی، ارز در بازار ثانویه و ارز در بازار آزاد، ارز سه‌نرخ شود. هر چند مجلس به بازار ثانویه خیلی اعتقاد داشت؛ اما عملاً معاملات چندانی نیز در بازار ثانویه انجام نشد.

## راه‌حل‌ها

این که چرا ارز نیامی و بازار ثانویه نتوانست ترمز افزایش نرخ ارز را بکشد و هم‌چنین راه حل تثبیت نرخ ارز چیست؟ سوالات مهمی است که باید به آن پاسخ داده شود. آیا با تقویت بازار ثانویه‌ی ارز، تقویت بورس و جذب نقدینگی در بازارهای موازی می‌توان جلوی نوسانات نرخ ارز را گرفت؟ متخصصان به این سوالات پاسخ‌های درخور تأملی داده‌اند که برخی از آن‌ها را باهم مرور می‌کنیم.

دکتر پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، در این زمینه می‌گوید: «تعیین نرخ ارز به عواملی بستگی دارد، یکی از آن‌ها منابع و مصارف ارزی است. پیش‌بینی‌های ما این است که منابع ارزی ما در سال ۹۷ به صد میلیارد دلار خواهد رسید که پنجاه و پنج میلیارد آن حاصل فروش نفت و چهل و پنج میلیارد آن‌ها از راه صادرات غیرنفتی به دست می‌آید. کل مصرف ما در سال ۹۷ اگر به بالاترین حد نیز برسد پنجاه میلیارد خواهد بود؛ یعنی ما دوبرابر مصارف ارزی، منابع ارزی داریم. این شوک‌های ارزی اخیر هم در حالی رخ داد که نه در اقتصاد دنیا اتفاقی رخ داده، نه ما مشکلی در منابع و مصارف ارزی داریم. پس علت آن سوء مدیریت است. بانک مرکزی نباید در کناری بنشیند و نظاره‌گر باشد. باید مداخله کند. اگر در جایی اخلاقی به وجود آید و دستکاری قیمتی شود باید مدیریت کند.»

حجت‌الاسلام و المسلمین بحرینی، رئیس کمیته‌ی پولی و ارزی کمیسیون اقتصادی مجلس، نیز می‌گوید: «جهش قیمت باید ناشی از افزایش تقاضا یا کاهش عرضه باشد و هر کدام از این‌ها می‌تواند طبیعی باشد و یا در نتیجه‌ی یک اختلال غیرطبیعی باشد. بازار ارز ما از یک نقیصه رنج می‌برد و آن این است که بانک مرکزی به عنوان متولی بازار ارز از این صحنه غایب است. هر چند این را بارها به دوستان خود در دولت تذکر داده‌ایم. در واقع یک صحنه‌ی بازی شکل گرفته است که بانک مرکزی باید به عنوان یک بازیگر بزرگ موثر در این بازار حضور جدی داشته باشد و قیمت‌ساز باشد؛ اما متأسفانه به یک بازیگر قیمت‌پذیر منفعل تبدیل شده است. ایشان معتقد است که برخی





درصد تاثیر آن علل بسیار بیشتر از تحرکات آمریکا است؛ زیرا نوسانات نرخ ارز در ایران هر دهه یک جهش اساسی داشته است که دلیل آن به سوء مدیریت دولت‌ها برمی‌گردد. در سال ۷۱ که دولت سازندگی با همین الگوهای غربی اقتصاد کشور را در دست گرفته بود شاهد جهش بیست و یک و نیم برابری نرخ ارز هستیم؛ یعنی دلار هفت تومان به دلار یکصد و پنجاه تومان تبدیل شد. در دولت بعدی ناگهان به هشتصد و حتی هزار تومان می‌رسد و در دولت نهم به یک هزار و دویست تومان می‌رسد. در سال ۹۱ حدوداً دوبرابر شد و به سه هزار تومان رسید. در دولت یازدهم و دوازدهم تا سه هزار و هفتصد تومان و در نهایت در فروردین ۹۷ دلار با قیمت چهار هزار و دویست تومان تک‌نرخ می‌شود. بعد از آن هم دولت در برابر بازار آزاد دست‌ها را بالا برد و تسلیم شد و ناگهان نرخ ارز تا سه برابر و حتی بیشتر خرید و فروش شد. علت این جهش این است که نرخ ارز با افزایش تورم بالا نرفته است. دولت با تزریق دلارهای نفتی به بازار همیشه سعی کرده تا نرخ دلار را ثابت نگه دارد در حالی که این کار به تولید آسیب می‌زند، موجب رکود می‌شود، باعث افزایش بی‌کاری می‌شود و در نهایت موجب افزایش واردات می‌شود. این سیاست غلطی بود که دولت با اصرار بر آن، بازار را سرکوب کرد. دولت در حالی بر تک‌نرخ بودن اصرار می‌ورزید که واقعیت بازار نرخ‌ی دیگر بود. از این روی تعادل عرضه و تقاضا به هم ریخت.

یک عامل دیگر این وضعیت، نقدینگی است. هنگامی که نقدینگی بیش از نیاز اقتصادی کشور خلق شود، موجب انباشت نقدینگی می‌شود. اگر این نقدینگی را به سوی تولید هدایت نکنیم، آن تورم‌زا می‌شود؛ لذا باید تسهیلات برای تولید فراهم کرد. از طرف دیگر برای جلوگیری از واردات، باید بدانیم که بخش زیادی از واردات ما قاچاق، آن هم از مبادی رسمی کشور است! پس نشان می‌دهد سامانه‌ی نظارتی درستی در این راستا وجود ندارد.» (۵)

دکتر سید یاسر جبرائیلی، کارشناس اقتصاد سیاسی، نیز در همین راستا می‌گوید: «عامل وضعیت فعلی خروج آمریکا از برجام نیست. ما توقع

بازار ثانویه ارز باشد. ما نامه نوشتیم به آقای رئیس‌جمهور و اعتراض کردیم که بیست درصد صادرات غیرنفتی هشت میلیارد دلار می‌شود. خوب مابقی را چگونه باید تامین کنیم؟ یک تقاضای سی میلیاردی را به بازار ثانویه سوق می‌دهید که در آن جا فقط هشت میلیارد ارز وجود دارد.»

پورا برابری حذف صرافی‌ها را نیز در وضعیت کنونی غیرقابل توجیه می‌داند و می‌گوید: «ما در کمیسیون اقتصادی مجلس صرافی‌ها را محور جریان‌ی تعریف کردیم که اگر در آینده با مشکل تحریم روبرو شدیم این‌ها بتوانند کار کنند؛ زیرا صرافی‌ها برای نقل و انتقال و مراودات اقتصادی و بانکی داخل و خارج از کشور، سازوکار خودشان را دارند. این در حالی است که بانک مرکزی آمده گفته است این‌ها نباید کار کنند! حال سؤال می‌کنیم که حذف صرافی با چه ادبیاتی قابل توجیه است؟» (۲)

دکتر صمد عزیزنژاد، کارشناس مسائل پولی، نیز معتقد است: «به علت دیر راه افتادن بازار ارز و حذف صرافی‌ها امروز قیمت ارز، در کوچه و خیابان تعیین می‌شود. تنبانی که عده‌ای دلال با برخی نهادها مثل پتروشیمی‌ها کرده‌اند امروز موجب بالا رفتن قیمت ارز شده است.» (۳) در همین راستا حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر بحرینی، مسئول کمیته پولی و بانکی کمیسیون اقتصادی مجلس، معتقد است: «بانک مرکزی ما تنها کاری که در این سال‌ها یاد گرفته این است که دلار حاصل از فروش نفت را می‌گیرد و می‌آورد در بازار می‌فروشد، طلا را می‌گیرد و تبدیل به سکه می‌کند، قیمت را هم خودش تعیین می‌کند. بانک مرکزی که باید در این بازار مدیر و قیمت‌ساز باشد و باید بازار را هدایت کند، اصلاً از صحنه غائب است؛ زیرا اصلاً در این سازوکار برای بانک مرکزی چنین کاری تعریف نشده است.» (۴)

دکتر محسن کریمی، پژوهش‌گر حوزه پولی و بانکی، در جواب به این سوال که نوسانات نرخ ارز چقدر مربوط به خروج ترامپ از برجام می‌شود جواب داده است: «خروج ترامپ از برجام علت تام و تمام نوسانات نرخ ارز نیست بلکه علتی در کنار سایر علت‌ها است. البته

هنر استفاده از ابزارهای اقتصادی را دارد. دوم این که کاستی‌های درونی ما در حوزه‌ی اقتصاد موجب شده تا آمریکا دست به اقداماتی علیه ما بزند.

مهم‌ترین اقدام آمریکا علیه ما در این سال‌ها، استراتژی تحریم‌ها بوده است که سال‌هاست شروع شده و این استراتژی یک استراتژی بلندمدت است! چون سایر ابزارهای آمریکا ناکارآمد شده و فقط این استراتژی مانده است.

در رابطه با بازگشت تحریم‌ها این نکته را هم اضافه کنم که امروز اگر خانم کلینتون هم به جای ترامپ رئیس جمهور بود، باز تحریم‌ها برمی‌گشت. خود او با ما هم برجام را اجرا نکرد. آن‌ها از اول برجام را اجرا نکردند و تحریم‌ها هم‌چنان باقی بود.

حال در این فضا بدانید که قطعاً جنگ هم نخواهد شد؛ چون آمریکا برای جنگ نیاز به دوچیز دارد: یکی اجماع نخبگان آمریکا و دیگری قدرت اقتصادی، که آمریکا امروز هر دو را ندارد.

به اعتراف استراتژیست‌های آمریکایی، امروز آمریکا دیگر آن آمریکای سابق نیست، دیگر آن آمریکای مقتدر هم‌نوع نیست. این یک قاعده است که تاجرها هرگز وارد جنگ نمی‌شوند؛ اما آمریکایی در برخوردهای خود به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که مسئولین ما دچار اشتباه محاسباتی شوند. وقتی سردار قاسم سلیمانی در همدان در مرداد همین امسال آن موضع جدی را در جواب به سخنان سخیف ترامپ گرفت، ظرف چند ساعت بعد مسئولین ارشد نظامی آمریکایی آمدند و گفتند که کی گفته ما قصد جنگ داریم! پس جنگ توهمی بیش نیست و باید در صدد تقویت اقتصاد کشور باشیم.» (۷)

داشتیم مسئولین بابت وضع موجود از مردم عذرخواهی کنند و به خاطر تجربه‌ی برجام توبه کنند؛ اما آقای ظریف می‌آید و می‌گوید که چون شکر نعمت برجام را به جا نیاوردیم خدا برجام را از ما گرفت!»

ایشان هم می‌گوید: «با توجه به این که هنوز فروش نفت ایران کم نشده و تحریم‌های آمریکا هم برنگشته است، سوال این است که چرا قیمت دلار چنین شد؟ این اتفاق عواملی دارد. یکی از عوامل آن نقدینگی است. این نقدینگی چندین هزار میلیارد تومانی به هر سمت برود آن جا را فلج می‌کند. امروز به سمت بازار ارز آمد و آن را دچار اختلال کرد. امروز هفتادوپنج درصد سرمایه‌ی موجود در بانک‌ها برای هفت درصد جامعه؛ یعنی کسی که به جای تولید و کار، دلالی می‌کند، است. آن‌ها با این سرمایه دلار خرید و فروش می‌کنند. درحالی که نظام اقتصادی باید به تولید سود دهد نه دلال از آن بهره‌مند شود. هیچ کجای دنیا اجازه نمی‌دهند شما چنین ثروتی انباشت کنید. در دنیا با گرفتن مالیات‌های سنگین کاری می‌کنند که دلالی دیگر صرف نکند.

یکی دیگر از عوامل آن هدر رفت منابع ارزی است. راه مقابله با آن جلوگیری از مصرف بی‌رویه‌ی ارز است. در همین بازار ثانویه، ارز به کالاهایی تخصیص داده شده که اصلاً از ضروریات زندگی نیست؛ مثلاً برای واردات اسب، لوازم آرایش و ... این اتلاف منابع ارزی است. البته اخیراً توسط دولت ورود هزار چهارصد کالای غیرضروری ممنوع شد که این کار خوبی است. یکی دیگر از راهکارها، اخذ مالیات از طبقه‌ی ثروتمند است. ما امروز از ده درصد ثروتمند جامعه فقط سه درصد مالیات می‌گیریم. همین رقم در آمریکا هفتاد درصد است.

راهکار دیگر، جلوگیری از سوداگران و هدایت نقدینگی به سمت تولید است. خلق و انباشت نقدینگی، تورم‌زا است.» (۶)

هم‌چنین دکتر حسین روزبه، کارشناس مسائل بین‌الملل، با تبیین وضعیت داخلی آمریکا، آمریکای امروز را دچار مشکلات متعدد داخلی و بین‌المللی دانست و افزود: «آمریکا با مشکلات زیادی روبرو است. امروز آمریکا در برابر ایران تمام سیاست‌های خود را به کار گرفته و در تمامی آن‌ها شکست خورده است. آمریکا در چهار حوزه‌ی اصلی قدرت، در سه حوزه‌ی آن به بن بست رسیده و تنها حوزه‌ی اقتصادی مانده است که در مسائل اقتصادی با ایران وارد جنگ تمام عیاری شده است.

در مسئله‌ی اقتصاد آمریکا با دو کار در حال فشار بر ماست: اول این که آمریکا جهت فشار بر ما



در همین بازار ثانویه، ارز

به کالاهایی تخصیص

داده شده که اصلاً

از ضروریات زندگی

نیست؛ مثلاً برای واردات

اسب، لوازم آرایش

و ... این اتلاف منابع

ارزی است. البته اخیراً

توسط دولت ورود

هزار چهارصد کالای

غیر ضروری ممنوع شد

که این کار خوبی است.

منابع:

۱- فصلنامه‌ی فرهنگ پویا، شماره ۲۶، صفحه ۷۴

۲- فصلنامه‌ی مطالعات سیاسی روز، شماره ۶۴، صفحه ۱۹۷

۳- برنامه‌ی گفتگوی ویژه خبری شبکه دو سیما در تاریخ ۹۷/۵/۸ با حضور دکتر پورا پور ابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، صمد عزیزنژاد، کارشناس مسائل پولی و حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر بحرینی، مسئول کمیته پولی و بانکی کمیسیون اقتصادی مجلس

۴- همان

۵- همان

۶- برنامه تریا، پخش از شبکه یک سیما، تاریخ ۹۷/۵/۱۰ با حضور دکتر سید یاسر جبرائیلی کارشناس اقتصاد سیاسی، دکتر حسین روزبه کارشناس مسائل بین‌الملل و دکتر محسن کریمی کارشناس

مسائل پولی و بانکی

۷- همان

۸- همان